

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ علم؛ وظایف و اعمال عالمان
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)
۳. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و قتنه‌های آخر الزمان

بسم الله الرحمن الرحيم**نقد****نویسنده: همایون دانش****تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹**

از جواب شما آقایان عزیز تشکر می‌کنم و باید بگویم که جواب شما بسیار خوب بوده و راه درست را نشانمان داده است. سؤال من اینجاست که خراسانی ظهور کرده و همین حالا هم در بین ما است و کتاب هم که تألیف کرده، پس باید یمانی و سفیانی هم اینجا باشند؛ چون تمام این علامات در یک سال حتی در یک ماه به وقوع خواهند پیوست و اینکه اگر خراسانی ظهور کرده پس چرا مجتهدین ایرانی و افغانی و دیگر کشورهای اسلامی از آمدن او خبر نمی‌دهند که خود آقای خراسانی دست به کار شده و فعالیت خود را در عرصه‌ی بیعت گرفتن از مردم شروع کرده است؟ شما شخصیت‌ها تنها کاری که از دست‌تان بر می‌آید آن است که در ظهور امام عصر حضرت مهدی (ع) بداء را حتمی می‌سازید.

لطفاً به سؤال من جواب قانع‌کننده بدهید که منتظرش هستم.

بررسی**تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۳۰**

برادر گرامی!

اگرچه سؤال جناب عالی خالی از ابهام و ابهام نیست، لازم است که به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً منصور هاشمی خراسانی صرفاً عالمی مسلمان است که با هدف ظاهر ساختن مهدی علیه السلام و رساندن او به قدرت، قیام کرده است و مسلمانان را به بیعت با آن حضرت به جای بیعت با این و آن فرا می‌خواند و بدین سان برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان زمینه‌سازی می‌کند و به همین جهت، حمایت از ایشان بر هر مسلمانی واجب است. حال اگر برای جناب عالی و برخی دیگر از مسلمانان، به هر دلیل معلوم شده که ایشان علاوه بر این ماهیت عینی و مشهود، موعود نیز است، حمایت از ایشان بر شما واجب‌تر خواهد بود؛ همچنانکه حمایت از ایشان بر مسلمانانی که چنین چیزی برایشان معلوم نشده نیز واجب

است؛ چراکه این عالم مسلمان به صورت عینی و مشهود، به سوی مهدی علیه السلام فرا می‌خواند و برای ظهور آن حضرت زمینه‌سازی می‌کند و همین برای حمایت از ایشان توسط هر مسلمانی کافی است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛ «و به یکدیگر در نیکی و پرهیزکاری یاری رسانید».

ثانیاً برای کسانی مانند جناب‌عالی که به هر حال در راستای حمایت از منصور هاشمی خراسانی اقدامی نمی‌کنید، چه اهمیتی دارد که ایشان همان خراسانی موعود است یا همان خراسانی موعود نیست؟! آیا امثال جناب‌عالی جز کنجکاوی در این باره، کار دیگری ندارید که انجام بدهید؟! در حالی که خداوند به روشنی از این قبیل کنجکاوی‌ها بر حذر داشته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ ... قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از چیزهایی پرسش نکنید که اگر برایتان آشکار شود بدتان می‌آید ... پیش از شما گروهی از این چیزها پرسش کردند، سپس به آن کافر گردیدند».

ثالثاً جناب‌عالی درباره‌ی منصور هاشمی خراسانی و کسانی که آنان را «یمانی» و «سفیانی» می‌نامید، هم خودتان بریده‌اید و هم خودتان دوحته‌اید، در حالی که این طریقه‌ی دین‌داری نیست و بسیاری از مسلمانان به این طریقه گمراه شده‌اند؛ چراکه آنان از یک سو روایتی ظنی و ساختگی را گرفته‌اند و از سوی دیگر به تأویل وهمی و بی‌بنیاد آن پرداخته‌اند، تا به زعم خود به پیشبینی حوادث بپردازند و راستگو را از دروغگو باز شناسند، در حالی که تأویل‌شان بر روی روایت‌شان، تاریکی بر روی تاریکی است و شناخت‌شان در پی پیشبینی‌شان، توهمی در پی تخیل! هنگامی که واقعه‌ای را مشاهده می‌کنند می‌گویند که این مصداق فلان روایت است، در حالی که نه آن واقعه را به راستی شناخته‌اند و نه آن روایت را به درستی درک کرده‌اند! پس بدین سان یکی را سفیانی می‌نامند و سپس به دنبال یمانی می‌گردند و چون او را نمی‌یابند می‌گویند که «بداء» حادث شده است! چنانکه به عنوان نمونه، گروهی سفهاء در ایران و عراق، مردی سفیه‌تر از خود را به پیش انداخته‌اند و او را «یمانی موعود» نامیده‌اند و اکنون خروج منصور هاشمی خراسانی را دلیلی بر حَقَانِیت او پنداشته‌اند؛ چراکه به زعمشان، خروج خراسانی و یمانی در یک زمان واقع می‌شود و اجابت یمانی از اجابت خراسانی واجب‌تر است! در حالی که روایت آنان با این مضمون^۳، روایتی واحد و غیر یقینی است و روایات واحد و غیر یقینی حَجَّتِی در اسلام ندارند؛ چنانکه خداوند با صراحت فرموده است: ﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا

۱. المائدة / ۲

۲. المائدة / ۱۰۱ و ۱۰۲

۳. نگاه کنید به: الغيبة للنعمانی، ص ۲۶۲.

يُغْنِيَنِ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا^۱؛ «آنان جز از ظن پیروی نمی‌کنند، در حالی که ظن چیزی را از حق کفایت نمی‌کند»؛ بلکه روایت‌شان در این باره دروغین و ساختگی است؛ چراکه از یک سو تنها راوی آن، کذاب خبیث و ملعون به نام «حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی» است^۲ و از سوی دیگر، مضمون آن در تعارض آشکار با روایات مشهور و متواتری است که ائمه‌ی حدیث از سده‌ی یکم و دوم هجری، در سنن و مسانید خود آورده‌اند و به روشنی بر وجوب اجابت خراسانی و شتافتن به سوی او «چهار دست و پا بر روی برف»^۳ دلالت دارد و با این وصف، اتکاء به چنین روایت واحد، ساختگی و شاذی، جز از دسته‌ی سفیهان ساخته نیست.

رابعاً علمای جهان اسلام از یک سو علم به غیب ندارند تا پیش از «دست به کار شدن منصور هاشمی خراسانی» از آمدن او خبر بدهند و از سوی دیگر، پس از دست به کار شدن او نیز ممکن است این کار را انجام ندهند؛ چراکه بیشتر آنان در ظنون و اوهام خود گرفتارند و اگر هنری بکنند خود را از شک در دین‌شان بیرون می‌کشند؛ با توجه به اینکه بیشتر آنان پیرو آراء و روایات واحد و غیر یقینی‌اند و به هزار فرقه و مذهب و گروه وابستگی پیدا کرده‌اند و با این وصف، توقع حمایت آنان از منصور هاشمی خراسانی توقعی ناپخته و ناسنجیده است. آری، آنان در حمایت از منصور هاشمی خراسانی کوتاهی کرده‌اند، ولی مسلماً جناب‌عالی مسؤول کوتاهی آنان نیستید، بل مسؤول کوتاهی خود هستید که مانند آنان برای حمایت از منصور هاشمی خراسانی اقدامی نمی‌کنید. با این وصف، برای جناب‌عالی بهتر است که به عیب خود از عیب آنان مشغول باشید.

خامساً منصور هاشمی خراسانی از هیچ مسلمانی برای خود بیعت نمی‌گیرد؛ چراکه بیعت را تنها برای خداوند می‌داند و مرادش از آن، بیعت با کسی است که خداوند به بیعت با او فرمان داده و او کسی جز مهدی نیست که بیعت با او بر هر مسلمانی واجب است. بر این اساس، منصور هاشمی خراسانی از مسلمانان جهان برای مهدی بیعت می‌گیرد؛ به این معنا که از آنان عهد و میثاق می‌گیرد بر اینکه اگر مهدی برایشان ظاهر شد، او را حفاظت، اعانت و اطاعت کنند و مانند کسانی که پیش از آنان بودند، تنهانش نگذارند. این مضمون پیمانی است که منصور هاشمی خراسانی از هر مسلمانی می‌گیرد و اگر شماری کافی از مسلمانان، چنین پیمانی را با او بسته‌کنند، زمینه برای ظهور مهدی فراهم می‌شود.

سادساً سخن شما با این مضمون که «شما شخصیت‌ها تنها کاری که از دست‌تان بر می‌آید

۱. التَّجْم / ۲۸

۲. نگاه کنید به: رجال الکشي، ج ۲، ص ۸۲۷؛ رجال ابن الغضائري، ص ۵۱؛ رجال النجاشي، ص ۳۶؛ الفوائد الرجالية لبحر

العلوم، ج ۳، ص ۵۰.

۳. حبوا علی الثلج

آن است که در ظهور امام عصر [حضرت مهدی] (ع) بداء را حتمی می‌سازید»، سخنی گنگ و وهم‌آلود است؛ زیرا معلوم نیست که مرادتان از «شما شخصیت‌ها» دقیقاً چه کسانی است و از «بداء» در ظهور مهدی چه چیزی را قصد کرده‌اید! روشن است که منصور هاشمی خراسانی تنها شخصیتی است که ما می‌شناسیم و تنها کاری که از دست او بر می‌آید آن است که به سوی مهدی دعوت و برای ظهورش زمینه‌سازی می‌کند و اگر این کار به زعم شما «بداء» را در ظهور مهدی حتمی می‌سازد، پس هیچ چیز بهتر از «بداء» در ظهور مهدی نخواهد بود!

خداوند همه‌ی مسلمانان را به راه راست هدایت فرماید و از کج‌فهمی و کوتاهی در انجام وظیفه‌ی‌شان که آنان را فرا گرفته است، رهایی دهد.



بایکاه اطلاع بر سبیل دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
بجیش برتری قلم‌ها



بایکاه اطلاع بر سبیل دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظ الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

صفحه پیگیری رسانه

لینک اطلاع‌رسانی